

مقایسه تحلیلی سفته بازی و کارآفرینی از منظر اخلاق اسلامی و رشد اقتصادی

محمد واعظ *

شهرام معینی **

مرتضی درخشان ***

چکیده

این پژوهش بر آن است تا با تحلیل پیامدهای اقتصادی کارآفرینی و سفته بازی و تحلیل آنها از منظر آموزه‌های فقهی و اخلاق اسلامی و همچنین مقایسه نتایج آن‌ها، اثر پیروی از آموزه‌های اخلاق اسلامی در فعالیت‌های اقتصادی را بر رشد اقتصادی تحلیل نماید. برای این منظور با استفاده از روش پژوهش مبتنی بر متن و کاربرد نظریه بازی، ابتدا سه عقد محرم بیع غرری، مقامره و رهان با سه ضابطه: ۱- وجود بازی حاصل جمع نامثبت، ۲- وجود شروط رهن‌گذاری معین برای پاداش معین یا نامعین و ۳- وجود قاعده برد و باخت، توصیف و تعریف شده است، که نتیجه نهایی آن، اکل مال به باطل و غیر اخلاقی است. آنگاه ادعا شده سفته بازی کوتاه مدت در مبادلات مالی به دلیل تأمین شروط سه گانه مذکور، می‌تواند دارای ماهیت رهان بوده و در نتیجه ناسازگار با اخلاق اسلامی تلقی شود.

در مقابل تحلیل رویکرد آموزه‌های دینی در توصیه به فعالیت‌های کارآفرینی نشان می‌دهد که این فعالیت‌ها و لوازم و مقدمات آن، از دیدگاه سودمندی اقتصادی و حاصل جمع مثبت آن، به عنوان عاملی برای رشد و شکوفایی اقتصاد جامعه محسوب شده و همزمان سازگار با اخلاق اسلامی است، به نحوی که نفی سفته بازی توأم با تقویت و تأیید کارآفرینی، پایه بنیادی یک اقتصاد مولد خواهد بود. از این رو پیروی از اخلاق اسلامی در تأکید بر فعالیت‌های کارآفرینی به جای سفته‌بازی توسط بازیگران اقتصادی، دولت‌ها و سایر نهادهای اجتماعی، گامی مؤثر در تحقق رشد اقتصادی خواهد بود.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، سفته بازی، اخلاق اسلامی، بازی حاصل جمع مثبت، رشد اقتصادی

طبقه بندی JEL: B59, G14, K13

vaez@ase.ui.ac.ir

sh.moeeni@ase.ui.ac.ir

morteza.derakshan@yahoo.com

* دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

** استادیار گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان

*** دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان

مقدمه

تقابل بین فعالیت های مولد (ارزش زا) و فعالیت های غیر مولد (و حتی ارزش کاه) همواره مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان بوده است. کوین مورفی و همکاران^۱ (۱۹۹۱) ضمن مطالعاتی در مورد رانت خواری و فعالیت های غیر مولد و دلایل آن، تخصیص استعدادها بین دو بخش مولد (کارآفرین) و غیر مولد (رانت خواری) را مورد بررسی قرار داده‌اند. استعدادهای برتر در هر اقتصاد با توجه به بازده نسبت به توانایی^۲، مقیاس هر بخش^۳، اندازه بازار^۴ و قراردادهای جبران خدمات^۵ تصمیم می‌گیرند که در کدام بخش به فعالیت بپردازند. حال اگر بازده اقتصادی^۶ در بخش رانت خواری (غیر مولد) بیشتر از بخش تولیدی و کارآفرینی باشد، آنها انگیزه بیشتری برای فعالیت در چنین بخشی را خواهند داشت.

سؤال اصلی این است که پیگیری و پیروی از اخلاق و معارف اسلامی و دنبال کردن رویکرد اقتصاد اسلامی در انتخاب نوع فعالیت های اقتصادی چه تأثیری بر انگیزه تولیدی و در نتیجه بر رشد اقتصادی خواهد داشت؟

به طور ویژه سفته بازی کوتاه مدت همیشه بخشی از توجه و فعالیت سرمایه گذاران را به خود جلب کرده است. از یکسو با گسترش بازارهای مالی و ابزار مشتقه و از سوی دیگر توسعه مبادلات الکترونیک و امکان معاملات روی این دارایی‌ها در فضای مجازی با هزینه مبادله ناچیز، دفعات و حجم مبادلات سفته بازانه‌ی کوتاه مدت، شدیداً افزایش یافته و از این رو لازم است تأثیر این مبادلات بر رشد اقتصادی و همچنین سازگاری آنها با مبانی اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

اهمیت چنین مطالعه‌ای به دلیل این است که رشد اقتصادی به عنوان یکی از آمال بنیادین تمام ملت‌ها، منوط به فعالیت اقتصادی مولدِ عامل‌های اقتصادی در محیط آزاد و رقابتی می‌باشد. به لحاظ نظری چنین فعالیتی اگر چه از منظر سودجویی شخصی^۷ دنبال می‌شود، اما از آنجا که باید برآورده کننده نیازهای افراد دیگر نیز باشد، به گسترش رفاه اجتماعی می‌انجامد. اما همان طور که اشاره شد، در محیط رقابتی تمام فعالیت های اقتصادی، مولد و ارزش زا نیستند. فعالیت اقتصادی ارزش زا (تولیدی) در مقابل فعالیت اقتصادی ارزش کاه (تظیر رانت

1. Kevin M. Murphy

2. Returns to Ability

3. Scale of each sector

4. market size

5. Compensation contracts.

۶. به معنای سود آوری هر بخش برای فعال اقتصادی می‌باشد.

7. Self Interest

جویی و سفته بازی کوتاه مدت) قرار می گیرند. اینکه اعضای یک جامعه منابع شان را صرف فعالیت های ارزش زا یا ارزش کاه کنند، به طور کلی به ساختار انگیزشی و نهادهای هدایت کننده منابع در آن جامعه بستگی دارد (برونر^۱، ۱۹۸۵).

اگر دولت ها، بسترهای حقوقی و قانونی مورد نیاز، جهت کارکرد صحیح مبادلات خصوصی بازاری را فراهم آورند. یعنی ابتدا با تدبیر در عوامل شکل دهنده ساختار انگیزشی، بازده فعالیت در بخش مولد را فراتر از بخش غیر مولد هدایت کنند، منابع (اعم از مالی و استعدادهای فردی) به بخش کارآفرینی و تولیدی روی می آورند. لذا با این تدبیر، با حرکت استعدادهای برتر به بخش کارآفرینی موجب افزایش خلاقیت، نوآوری و در نتیجه افزایش نرخ رشد بخش تولیدی (واقعی) می شود، و چون چنین فعالیت هایی در بخش واقعی با ایجاد ارزش افزوده، بازی مجموع مثبتی را ایجاد می کند، علاوه بر بزرگتر شدن بخش واقعی اقتصاد و تأمین نیازهای واقعی مردم، موجب و افزایش رفاه اجتماعی خواهد شد.

این پژوهش بر آن است تا با بررسی دقیق سفته بازی کوتاه مدت از منظر معارف اسلامی و رشد اقتصادی و مقایسه آن با فعالیت های کارآفرینی، نقش مؤثر دنباله روی از اخلاق اسلامی در فعالیت های اقتصادی را بر رشد اقتصادی تبیین نماید. برای این منظور، ابتدا در بخش دوم به مرور پیشینه پژوهش و مطالعات مربوطه می پردازد و در بخش سوم به شناخت ماهیت کنش سفته بازانه از منظر اخلاق اسلامی پرداخته و آن را بررسی می کند. در بخش چهارم ماهیت کنش های اقتصادی مبتنی بر کارآفرینی را بر اساس اخلاق اسلامی مورد تحلیل قرار می دهد و در نهایت در بخش پنجم نتیجه گیری، جمع بندی و چند پیشنهاد سیاستی را ارائه می دهد.

۱. پیشینه پژوهش

تردید در مورد مشروعیت مبادلات سفته بازانه در بازارها، مباحث و مطالعات در این خصوص را در بین پژوهشگران اقتصاد اسلامی و فقه اقتصادی دامن زده است. پژوهشگران کوشیده اند تا با نسبت یابی این مبادلات با کنز، بیع غرری، مقامره و رهان، بویژه در حوزه فقه امامیه، امکان ارزیابی درست آن را فراهم آورند. به عنوان مثال میر معزی (۱۳۸۲)، بهاروند (۱۳۸۸) و رفیعی (۱۳۷۸) این مبحث را ارزیابی نموده اند.

در میان پژوهشگران اقتصاد اسلامی، عده ای فعالیت سفته بازی را زیان بار می دانند، زیرا آنچه در اقتصاد به افزایش تولید، اشتغال و رفاه منجر می شود، رونق بخش واقعی اقتصاد و نه

1. Brunner

بزرگ شدن بخش پولی است. دارایی های پولی اگر به سرمایه تبدیل نشوند، در جریان تولید قرار نمی گیرند و ارزش افزوده ایجاد نمی کنند. بنابراین نگهداشتن بخش قابل توجهی از ثروت جامعه به صورت نقد و تبدیل نکردن آن به دارایی های ثابت، باعث حبس شدن این ثروت می شود که مصداق جدیدی از پدیده کتز به شمار می آید. در مقابل، تعداد دیگری معتقدند در صورتی که سفته بازی به گونه‌ای سالم و به دور از احتکار و ائتلاف و انتشار اخبار کذب و معاملات صوری و مانند آن انجام شود، اشکال فقهی نخواهد داشت (صالح آبادی، ۱۳۸۸).

برخی مانند میر معزی (۱۳۸۲) در پژوهش‌های خود پدیده کتز به اصطلاح کینزی آنکه در بازار مالی رخ می دهد، را مشمول مفاد آیه کتز نمی دانند و با بررسی برخی قواعد فقهی و استناد به روایات خاص، در صدد اثبات مشروعیت سفته بازی بر آمده‌اند. بیشتر اقتصاددانان و فقیهان، سفته بازی را در فرض وجود احتکار، تبانی و مانند آن در نظر گرفته و ممنوع شمرده‌اند.

از سوی دیگر سید محمد باقر صدر نیز در کتاب اقتصادنا به ارتباط سفته بازی و کتز معتقد است. وی سودی که بدون کار تولیدی و صرفاً از طریق انتقال مالکیت به دست آمده باشد را معلول سیطره روح خودخواهی بر روابط تجاری دانسته و محکوم می کند و همچنین به نظر وی، پذیرش ریسک و مخاطره، نیز منشأ درآمد شناخته شده نیست (صدر، ۱۳۷۵: ۶۵۲-۶۰۱). بر اساس دیدگاه شهید صدر به نظر می‌رسد، نگهداری پول به صورت راکد و خارج کردن آن از جریان فعالیت های اقتصادی حرام است و صرف به گردش درآوردن آن نیز کافی نیست، بلکه به کار گرفتن پول باید در فعالیت هایی باشد که بتوان آن را مصداق سبیل الله به شمار آورد. در مجموع در مطالعات اسلامی به نظر می‌رسد صرف نظر از سفته بازی توأم با تبانی و احتکار که از دید همگان ممنوع است، منشأ اختلاف درباره سفته بازی بین صاحب‌نظران به دو نکته «کنز کردن پول» و «غیر مولد بودن» (بلکه زیان بار بودن) این فعالیت‌ها باز می گردد. حسینی (۱۳۸۹) نیز بر این عقیده است که حذف سفته بازی از بازارهای مالی را باید یکی از کارکردهای حرمت کتز به شمار آورد.

از سوی دیگر در مطالعات اقتصادی، کارآفرینی و نقش آن در توسعه بسیار مورد توجه قرار گرفته است و حرکت انتقالی اقتصاد از فعالیت های غیر مولد در جهت کارآفرینی^۱ از جمله رهیافت‌های مهم توسعه در برنامه‌های بلند مدت به شمار آمده است. در دهه‌های اخیر نقش

۱. هم به معنای ایجاد شغل و هم به معنای تولید تکنولوژی و فراهم کردن زمینه برای تولید محصولات جدید.

کارآفرینی در رشد و توسعه اقتصادی بسیار مورد توجه پژوهشگرانی مانند مورفی، موهانتی^۱، ناندن^۲، هانیفی^۳ و ... قرار گرفته است (ونکرز و توریک^۴، ۱۹۹۹، ص ۲۹). به طور کلی از دهه ۱۹۸۰ نویسندگان زیادی کارآفرینی را به عنوان عامل توسعه اقتصادی مورد مطالعه قرار دادند و مطابق نتایج حاصل از پژوهش‌های انجام شده، آن را یکی از مهمترین ابزارهای توسعه معرفی کردند (هانیفی^۵، ۲۰۰۳، ص ۱۰۱). کارآفرینان نقش خاصی در پیشبرد اقتصادی و اجتماعی یک کشور ایفا می‌کنند و در واقع آنها عاملان تغییری هستند که به منظور ایجاد رفاه، فعالیت های اقتصادی انجام می‌دهند، به این صورت که موجب خود اشتغالی شده و راه های درآمد را برای دیگران فراهم می‌کنند (موهانتی^۶، ۲۰۰۷، ص ۱۰۴).

ناندن (۲۰۰۷) بر این عقیده است که افراد کارآفرین چیزهای متعارف را برهم می‌زنند و ترکیب جدید از عوامل تولید ایجاد می‌کنند. این افراد نه تنها نقش یک نوآور را بازی بلکه به پیشرفت اقتصادی نیز کمک می‌کنند. چنین افرادی فرصت‌های جدید، ریسک، و ... را در نظر می‌گیرند، و منابع را در روش‌هایی غیر معمول برای نوآوری و ایجاد محصولات جدید، فنون نوین تولید، طرح کالا یا خدمات ترکیب می‌کنند. این افراد که به عنوان عاملان تغییر، نقش نوآوران و فرصت‌گرایان را ایفا و به رفاه مالی کمک می‌کنند، کارآفرینان هستند. همین امر، دلیل تأکید بسیاری از مورخان اقتصادی بر نقش کارآفرینان در فرایند رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی (ناندن^۷، ۲۰۰۷، ص ۳).

در نظر مورفی (۱۹۹۱) اینکه استعدادها در یک اقتصاد به سمت چنین فعالیت‌هایی روی آورند یا به فعالیت‌های اقتصادی غیر مولد بستگی به زیرساخت‌های انگیزشی و نهادهای اقتصادی دارد. هر چه بازده فعالیت‌های کارآفرینی نسبت به فعالیت‌های غیر مولد (یا حتی ارزش‌کاه) بیشتر باشد، ساختار انگیزشی استعدادها را به سمت بخش تولیدی هدایت نموده و به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند (مورفی و همکاران^۸، ۱۹۹۱، ص ۱۲). همچنین بر طبق نظر جونیت و وارنر^۹ (۲۰۰۲) اگر ارزش‌های فرهنگی یک جامعه طرفدار فعالیت‌های کارآفرینانه باشد، این خود محرکی برای فعالیت‌های کارآفرینی خواهد بود، و البته معکوس آن

1. Mohanty
2. Nandan
3. Hannafey
4. Wennekens and Thurik
5. Hannafey
6. Mohanty
7. Nandan
8. Kevin M. Murphy
9. Joynt and Warner

نیز درست است. در جوامعی که انگیزه‌های کارآفرینی با گران فروشی، سفته بازی، دلالی، بی‌حرمتی و جرم مخدوش شده است، هزینه مبادلاتی برای فعالیت کارآفرینی بالا رفته و موجب کاهش انگیزه برای آن شده است. نمونه آن شیکاگو در دهه ۱۹۳۰ و تعدادی از اقتصادهای انتقالی اروپای شرقی در دهه ۱۹۹۰ است.

مورفی (۱۹۹۱) در مطالعه خود اشاره می‌کند اگر افراد زیادی به دنبال دزدی از تولید کنندگان بوده، یا حق مالکیت تولیدی را به خوبی رعایت نکنند و بسیاری به دنبال استفاده و بلکه انتشار غیر رسمی تولیدات با حق امتیاز باشند، تولید کنندگان و کارآفرینان برای محافظت از تولید و فرمول تولیدی خود با هزینه‌های مبادلاتی بسیار بالایی روبرو می‌شوند، که حاشیه سود را برای آنان کاهش داده و انگیزه کارآفرینی از بین می‌رود. لذا محیط پیرامونی و فرهنگ حاکم بر جامعه به عنوان نهاد اجتماعی و نرم افزاری اقتصاد، نقش تعیین کننده‌ای در شکل گیری انگیزه‌های کارآفرینی دارد.

بر این اساس لازم است تا در کنار بررسی‌های تحلیلی از سفته‌بازی و ارزیابی آن بر اساس مبانی و معارف اسلامی، به نقش اسلام در شکل‌گیری فرهنگ عمومی جامعه در جهت کارآفرینی بپردازیم. در واقع به این سؤال پاسخ گوییم که آیا اسلام و اخلاق اسلامی فرهنگی را توصیه و ایجاد می‌کند که موافق و محرک کارآفرینی است یا بالعکس؟

۲. شناخت ماهیت کنش سفته بازانه از منظر اخلاق اسلامی

در این بخش، برای تحلیل سفته بازی کوتاه مدت از منظر اقتصاد اسلامی و فقهی، نسبت این گونه معاملات با بیع غرری، مقامره و رهان مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. برای این منظور از چهارچوب تحلیلی نظریه بازی استفاده می‌شود.

بازارهای مالی از جمله مهم‌ترین ارکان نظام اقتصادی هستند که وظیفه هدایت پس اندازها به سوی سرمایه‌گذاری، کاهش هزینه مبادله، کاهش ریسک و تأمین نقدینگی را به عهده دارند. در این بازارها، اسناد مالکیت و سهام شرکت‌ها و کالاهای بادوام سرمایه‌ای و ... خرید و فروش می‌شوند. یکی از پدیده‌های بحث انگیز بازارهای مالی، عملیات سفته بازی است. سفته بازی، فعالیتی اقتصادی است که با هدف دستیابی به سود از طریق پیش بینی تغییرهای قیمت کالا، اوراق بهادار یا ارز انجام می‌شود. انگیزه اصلی از انجام معاملات سفته بازانه دارایی‌های گوناگون، کسب سود است. سفته بازان ممکن است کالایی را بخرند که به طور حقیقی به آن نیاز ندارند و فقط به این دلیل که پیش بینی می‌کنند قیمت آن در آینده افزایش یابد، آن را

می‌خرند، همچنین ممکن است کالایی را که به آن نیاز دارند بفروشند، فقط به این دلیل که قیمت آن در آینده کاهش خواهد یافت.

مقامره و رهان از منظر بسیاری از فقها خود از اقسام معامله غرری محسوب می‌شوند. به هر روی می‌توان نشان داد غرر، مقامره و رهان همگی متضمن بازی حاصل جمع صفر یا حاصل جمع منفی هستند. غرر اصطلاحاً به بیعی اطلاق می‌شود که به دلیل برخی نامعلومی‌ها متضمن خطر و به معرض هلاکت انداختن مال است. نامعلومی در اصل وجود مورد معامله (الغرر فی الوجود)، نامعلومی در قدرت تسلیم مورد معامله (الغرر فی الحصول)، نامعلومی و عدم قطعیت در مقدار عوضین (الغرر فی مقدار العوضین) و نامعلومی در زمان دریافت (الغرر فی الأجل) از مصادیق اصلی معامله غرری هستند. این معنا در متون فقهی راجع به نفی غرر بر «اشترای قدرت بر تسلیم عوضین»، «اشترای علم به عوضین» و «اشترای علم به امور مربوط به بیع» نیز تعبیر شده است.

از دیگر عقود غیر شرعی، مقامره و رهان است. مقامره عقدی است که ضمن آن طرفین وارد هرگونه بازی به شرط پرداخت مبلغی از سوی بازنده به برنده می‌شوند. در رهان، طرفین متراهنین روی برنده یک بازی یا وقوع واقعه‌ای شرط می‌بندند. بنابراین در اینجا تلاشی برای برد یا وقوع واقعه از سوی متراهنین در میان نیست.

نتیجه معاملات غرری، نیز مانند پایان قمار و رهان مجهول است. ضمن اینکه بعضاً در معاملات غرری یکی از شرایط اساسی صحت معامله اعم از علم به مبیع یا ثمن و قدرت بر تسلیم موضوع معامله و نظایر آن هم مخدوش و این تفاوت منجر به آن شده است که برخی ادعا کنند، بین این دو بیع تفاوت اساسی و ماهوی وجود دارد. قمار و رهان، قراردادی ماهیتاً نامشروع و غیر اخلاقی بوده و به همین دلیل باطل و غیر معتبر شناخته شده، لیکن در معاملات غرری، قصد طرفین قمار نیست و صرفاً به خاطر مخدوش بودن شرایط اساسی صحت معامله، که به تنازع و اختلاف منتهی می‌شود، از اعتبار ساقط و باطل دانسته شده است (رفیعی، ۱۳۷۸). اما در مقاله حاضر ادعا می‌شود که تفاوت ماهوی مذکور وجود ندارد. تامل در اقسام معاملات غرری نشان می‌دهد که در این بیع نیز انگیزه برد و باخت (قمار) وجود دارد.

۱-۲. ضوابط اقتصادی مبادله رهانی در چهارچوب تحلیلی نظریه بازی

برای تعیین نسبت سفته بازی کوتاه مدت در بازارهای مالی حاصل جمع صفر با معاملات غرری مشتمل بر مقامره و رهان لازم است، ضوابط معینی برای معاملات غرری قائل شده یا

پیشنهاد شود. سپس بر مبنای ساختار و ضوابط پیشنهادی در این مقاله می‌توان سفته بازی کوتاه مدت را از منظر اقتصاد اسلامی مورد تحلیل قرار داد.

با تامل در مواردی که به صورت قدر متیقن به عنوان مصادیق بیع غرری، مقامره و رهان معرفی شده است، از نقطه نظر تحلیل اقتصادی و بویژه با کاربست چهارچوب تحلیلی نظریه بازی، ارکان سه گانه ای در تمام آنها قابل مشاهده به نظر می‌رسد که در این مطالعه در ادامه تبیین خواهد شد. اگر چه این مطالعه دلایل اولیه ای در دفاع از رویکرد پیشنهادی ارائه می‌کند، بدیهی است پذیرش قطعی و اجماع بر ارکان سه گانه فوق نیازمند مطالعات وسیع تر پژوهشگران حوزه اقتصاد اسلامی خواهد بود. نهایتاً در صورت پذیرش این رویکرد، نظام پیشنهادی می‌تواند مبنایی برای تحلیل نسبت مبادلاتی از قبیل مبادلات سفته بازی کوتاه مدت با بیع غرری فراهم نماید. ارکان سه گانه بیع غرری در چهارچوب نظریه بازی به ترتیب ذیل ارائه می‌شوند.

۱-۲. رهن گذاری معین برای پیامدهای معین / نامعین^۱

در مقامره و رهان، قرار دادن مالی معین برای فرد یا افراد برنده مفروض است. می‌دانیم که بجز استثنائات معین، این عقود از جانب شارع تحریم شده است. مال مذکور که از این راه به دست می‌آید نیز باطل و تصرف در آن حرام و ضمان آور است (جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۲۱۹-۲۱۸). همین طور گفته شده است اطلاق عنوان المیسر به قمار و رهان از این باب است که اخذ مال غیر در قالب آن به سادگی و بدون تحمل مشقت میسر می‌شود:

اصله من الیسر خلاف العسر و یقال سمی میسرا لتیسر اخذ مال الغیر فیه من غیر تعب و مشقه (المکاسب المحرمه، جلد ۲، السید روح الله الخمینی به نقل از مجمع البحرین و مجمع البیان).

السویلیم (۱۹۹۹) تفاوت غرر و مقامره را در معین یا نامعین بودن مقدار پاداش در بازی حاصل جمع صفر مرتبط می‌داند. از نظر وی مقدار این پاداش (پیامد) در غرر نامعین و در قمار معین است. اما اطلاق این تمایز درست به نظر نمی‌رسد. بهترین دلیل بر نقد دیدگاه السویلیم آیه شریفه تحریم قمار به نظر می‌رسد که در آن از قمار جاهلی از لام نام می‌برد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده، ۹۰)

1. Certain/Uncertain Payoffs

چنانکه می دانیم در قمار مذکور (ازلام) صور مختلفی برای میزان برد و باخت وجود دارد و اگرچه حد بالا و پایینی برای برد و باخت وجود دارد، اما مقدار باخت یا برد، معین نیست. بنابراین می توان نتیجه گرفت لزوماً مقدار پیامد در همه صور قمار معین نیست. به علاوه در برخی معاملات غرری به معنی اخص نیز برعکس دیدگاه السویلیم، پاداش معین است که مشخصاً می توان به مورد نامعلومی در قدرت تسلیم مورد معامله (الغر فی الحصول) اشاره کرد. در هر صورت در تمام مبادلات غرری مشتمل بر قمار و رهان، ریسک برنامه ریزی شده^۱ یا دست ساز وجود دارد، اما پیامد یا مقدار برد و باخت یا همان ریسک می تواند معین یا نامعین باشد.

۲-۱-۲. قاعده یا ساز و کار برد و باخت^۲

آنچه فقها و نیز پژوهشگران اقتصاد اسلامی به آن توجه داشته اند، وجود بازی در قمار است. اما به نظر می رسد توجه لازم به کارکرد بازی به مثابه قاعده ای برای تعیین برنده نشده است. در این میان برخی فقها فقط صدق عرفی بازی توام با برد و باخت یا اصطلاحاً "لعب مع الرهان" را برای قمار دانستن آن کافی دانسته اند، برخی نظیر شیخ انصاری اطلاق عنوان قمار به مطلق مغالبه با رهان را نتیجه گرفته اند و برخی تردید کرده اند (المکاسب المحرمه، جلد ۲، السید الخمینی). برخی پا را فراتر گذاشته و خود بازی بدون برد و باخت (لعب بلا رهان) با آلات قمار را نیز غیر شرعی دانسته اند. اما برخی لعب بلا رهان را با عبارات متفاوت مشروع دانسته اند: و یحرم اللعب بغيرها مع الرهن، کالمراهنه علی حمل الوزن الثقیل، أو علی المصارعة أو علی القفز أو نحو ذلک، و یحرم أخذ الرهن، وأما إذا لم یکن رهن فالظاهر الجواز (منهاج الصالحین، السید الخوی).

یظهر من الجواهر اختصاص الحرمة بما إذا كان اللعب بالآلات المعدّة له، وأما مطلق الرهان والمغالبة بغيرها فلا حرمة فيه. نعم تفسد المعاملة علیه، ولا یملک الراهن الجعل، فیحرم علیه التصرف فيه. وذكر المصنف (ره) أن الظاهر إلحاقه بالقمار فی الحرمة والفساد (کتاب المساقاة، السید الخوی)

از سوی دیگر بسیاری از فقها، پذیرش اطلاق شیخ انصاری را دشوار یافته اند. چرا که بسیاری از فعالیت های توام با مغالبه مفید که به طور طبیعی متضمن برنده شدن برخی اطراف

1. Planned Risk
2. Gambling Rule Mechanism

و بازیگران اعم از فرد یا افراد و پاداشی برای آنها می باشد را نیز در بر می گیرد. به نظر این افراد، این امر خلاف قاعده عقلا به نظر می رسد که مطلق این مغالبه ها را مردود شماریم. به عنوان نمونه، تلاش برای اختراع کیفیت جدید یک محصول در عین حال که از منظر اجتماعی مفید است، مستلزم مغالبه است که برنده آن مخترع سطح کیفیت جدید و بازنده آن مخترع قبلی است که با تخریب خلاق^۱ و اثر بازار ربایی^۲ مواجه می شود. بدیهی است قرار دادن این موارد در شمار مقامره، بسیار دشوار و معضل آفرین به نظر می رسد.

اولین مساله ای که باید روشن شود مفهوم بازی در ادبیات فقهی است. آشکار است در لسان فقهی، لعب همان مفهوم بازی در ادبیات اقتصادی را ندارد. لعب معمولاً در کنار لهو به کار می رود. مراد از لهو و لعب، حرکت پوچ و بی معنا است که هیچ ثمری برای دین، دنیا و آخرت آدمی ندارد. از این منظر عمدتاً لهو و لعب امری منفی است چرا که مؤمن هرگز عمر خود را به بطالت نمی گذراند.^۳

آنچه با دقت لازم به روشنی می توان دریافت اینکه بازی در اینجا هدف نیست بلکه آنچه هدف است بردن و باختن است. برای تعیین روشن و با ضابطه برنده و بازنده نیاز به قاعده ای وجود داشته است. بنابراین به طور معمول از ابزار بازی به عنوان قاعده برای تعیین برنده و بازنده استفاده شده است. بازی و لعب در اینجا هدف نیست بلکه بازی، کارکرد قاعده ای دارد تا برنده و بازنده بدون حصول اختلاف و به سادگی معین شود. توجه مجدد به قمار عربی ازلام در اینجا نیز روشنگر است. قاعده ای که برای تعیین برنده و بازنده در ازلام به کار می رود، هیچ نزدیکی با مفهوم لعب ندارد بلکه صرفاً نوعی قرعه کشی است. بر این اساس رهان بلا لعب هم متصور است، چنانکه در بسیاری موارد، رهان بر انجام یک فعالیت یا پیش بینی یک واقعه مبتنی است. بر این اساس نهایتاً به نظر می رسد دومین رکن مقامره و رهان وجود قاعده ای برای برد و باخت اعم از قرعه، پیش بینی واقعه ای که صور محتملی دارد، بازی با آلات معین یا بدون آن و ... است، بدون اینکه لازم باشد این قاعده لزوماً یا عیناً یک بازی باشد.

در غرر به معنی اخص قاعده برد و باخت و در واقع شرط بندی روی اتفاقات پیش بینی ناپذیر دنیای واقع وجود دارد که تنها گذشت زمان آن را آشکار می سازد و در لحظه وقوع بیع به علت فقدان اطلاعات بر هیچیک از طرفین آشکار نیست. در هر صورت مساله مرکزی در عقود غرری، برد و باخت و نه بازی است. بازی ای که احتمالاً در برخی از این موارد وجود دارد

1. Creative Destruction
2. Business-Stealing Effect
3. اسلام پدیا: Islampedia

نیز تنها یک مکانیسم است و کارکرد قاعده را دارد. قاعده ای که قمار بازان سلف، در مقام طراحی مکانیسم^۱ ارائه و تدوین کرده اند و طبعاً در هر دوره ای ممکن است مکانیسم هایی جدیدی نیز تدوین و طراحی شود.

۳-۱-۲. نامولد بودن یا حاصل جمع نامثبت بودن بازی^۲

سومین ویژگی و رکن این فعالیت ها (بیع غرری، مقامر و رهان) حاصل جمع صفر بودن بازی یا به طور کلی تر حاصل جمع صفر بودن فعالیت و مبادله در مقامر، رهان و غرر می باشد. در واقع به نظر می رسد در همه یا اکثر موارد، حاصل جمع این مبادلات و فعالیت ها اصولاً منفی است. تمام مواردی که صریحاً مصداق قمار و رهان و غرر دانسته شده است، متضمن این معنا می باشند. توجه به این رکن در قمار و رهان، مسائل مهمی در خصوص این مفاهیم را نیز روشن تر می سازد و ممکن است بتواند فلسفه جواز مسابقه و بازی توام با رهان در برخی مهارت های جنگی را نیز روشن سازد.

مشروع بودن رهان در مواردی خاص نظیر سواری و تیراندازی برای خود مشارکت کنندگان از امور اجماعی بین فقها بوده است. اولین مشکله ای که به نظر می رسیده است اینکه چگونه این عمل، در مواردی می تواند امری مشروع باشد. دقت در جوابی که برخی به این مساله داده اند از زاویه اقتصادی می تواند حائز اهمیت باشد.

در صدر اسلام، چه در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و چه بعد از آن، مسلمانان با جنگ های زیادی روبه رو بودند. این موقعیت ایجاب می کرد که مسلمانان، چه از نظر ابزار و وسایل دفاعی و جنگی و چه از نظر قوای فکری، بدنی و مهارتی در شرایط مناسب و آمادگی رزمی قرار داشته تا در وقت مناسب و هنگام لزوم جنگ یا دفاع، از توانایی لازم برخوردار باشند. هم از این رو در مورد بازی های مرتبط با مهارت جنگی، لعب مع الرهان، مشروع دانسته شده است. به عبارت دیگر، بر این مبنا، رهان در این موارد، دیگر بازی حاصل جمع صفر نبوده است و اثر جانبی^۳ مثبت از منظر اجتماعی داشته است. هم از این رو است که رهان در این موارد به دهندگان محدود شده است، تا انگیزه ای برای تقویت مهارت باشد. بنا بر این مبنا هر جا بر مغالبه، فایده ای مترتب باشد مغالبه از منظر اجتماع، اقتصادی است، به نحوی که به واقع آن را از حاصل جمع صفر بودن خارج می کند و رکن اخیر دیگر وجود ندارد. با پذیرش این مبنا، راه

1. Mechanism Design

2. Non-Positive-Sum Game

3. Side Effect

حلی برای پذیرش مغالبه مفید (حاصل جمع مثبت) در امور اجتماعی و اقتصادی و غیر غرری دانستن آن نیز فراهم می‌آید. لذا مطلق مغالبه حاصل جمع صفر، مقامره محسوب شده اما طبعاً مواردی چون اختراع جدید، هرچند مستلزم مغالبه باشد را در بر نمی‌گیرد. در نهایت مناسب است که به دو ویژگی دیگر در بیع غرری نیز اشاره شود. این دو ویژگی عبارت از دو یا چند عاملی بودن مبادله و عدم استمرار رضای طرفین مبادله است. در رهان، مقامره و بیع غرری معمولاً دو و گاه چند طرف یا عامل وجود خواهد داشت. در مورد اِزلام در واقع ده طرف وجود دارد. اهمیت این تصریح در آن است مواردی که بازی و بازار در کل حاصل جمع صفر است، اما طرفین یک مبادله خاص هر دو می‌توانند برنده باشند به اشتباه غیر حاصل جمع صفر تلقی نشود. بنابراین لزومی ندارد مغالبه لزوماً بین فقط دو طرف رخ دهد تا بتوان آن را مصداق رهان دانست. به علاوه یکی از ویژگی‌های بیع غرری، عدم استمرار رضای طرفین است. در حالی که در سایر مبادلات، بقاء مبادلات و استمرار رضایت معامله‌گران معمول است و خلاف آن استثناء تلقی می‌شود. در واقع در سایر مبادلات، طرفین علی‌الاصول برنده اند، در حالی که در اینجا لزوماً یک یا چند طرف بازنده وجود دارد.

۲-۲. سفته بازی کوتاه مدت و ماهیت شبه رهانی

اکنون بر اساس ضوابط سه گانه پیشنهاد شده، به نظر می‌رسد که سفته بازی کوتاه مدت می‌تواند مصداق معامله غرری قرار گیرد. سفته بازی کوتاه مدت در بازارهای مالی یک بازی حاصل جمع مثبت نیست، بنابر این ضابطه سوم در مورد آن، برقرار است. همچنین در سفته بازی کوتاه مدت، سفته باز سرمایه معینی را در ابتدای دوره معاملاتی وارد جریان سفته بازی می‌کند که تا انتهای دوره معاملاتی، ممکن است با برنده شدن یا باختن در معاملات، این سرمایه افزایش یا کاهش یابد و بنابراین در سفته بازی کوتاه مدت، رهن گذاری معین برای پاداش معین/ نامعین نیز قابل مشاهده است.

در نهایت در سفته بازی کوتاه مدت، قاعده برد و باخت، نیز وجود دارد که همان پیش بینی جهت تغییر قیمت نسبی دارایی مالی است. سفته باز کوتاه مدت با انتخاب یک دارایی مالی و خرید آن در واقع روی رشد قیمت نسبی آن در کوتاه مدت، شرط بندی می‌کند. در صورت رخداد رشد قیمتی کوتاه مدت، سفته باز عملاً برنده و در غیر این صورت عملاً بازنده است. بنابراین در کنش سفته بازانه کوتاه مدت، ضوابط اقتصادی احصاء شده معامله غرری در قسمت پیشین، قابل ملاحظه است و می‌توان نوعی ماهیت شبه رهانی برای آن مشاهده کرد

۳. شناخت ماهیت کنش‌های اقتصادی مبتنی بر کارآفرینی با اخلاق اسلامی

امروزه بسیاری از کشورهای جهان و همچنین اندیشمندان، گفته شومپیتر مبنی بر «کارآفرینی موتور توسعه» را پذیرفته‌اند، و سیاستگذاران سعی دارند که از این اهرم توانا در ایجاد توسعه و رفاه کشور خویش بهره بگیرند. از جمله عوامل مهمی که می‌تواند در ترویج کارآفرینی و در نتیجه ایجاد توسعه در کشور مؤثر باشد، محیط فرهنگی کارآفرینانه است. در درجه اول سؤال این است که آیا اسلام و فرهنگ اسلامی به پیاده‌سازی فرهنگ کارآفرینی کمک می‌کند؟

در قرآن کریم در آیات متعدد، به طور آشکار یا ضمن ضرب‌المثل‌ها و قصه‌ها و با نگاه‌های متفاوت، به ثروت توجه و بیان شده است که حب مال و ثروت، امری فطری^۱ و انسان موجودی کارآفرین است که این ویژگی، زمینه‌های کسب ثروت را در او ایجاد کرده است.^۲ جمع آوری ثروت، به شرط ادای واجبات و دوری از قاعده نکوهیده کنز، مورد نکوهش نمی‌باشد؛ از این رو، قرآن، کارآفرینان متعددی، مانند حضرت سلیمان، حضرت داود و ذوالقرنین را مثال می‌زند که با تبحر زیاد، ثروت فراوان اندوختند؛ اما علاقه به مال را در خود تعدیل و جامعه را به فعالیت ترغیب کردند و آدمیان را از بطالت و بیکاری رها ساختند^۳ و در مقابل، سودجویان و ثروت اندوزان نابالغ را مثال می‌زند؛ مانند قارون، فرعون، ولید بن مغیره و ابی‌لهب که مترفان و مستکبران کنزگرا بودند و عشق بیش از حد به انباشت و ثروت اندوزی، موجب هلاکت و نابودی آنها شده است.^۴ لذا قرآن کریم در قالب این داستان‌ها علاوه بر اینکه صرف داشتن و یا کسب مال و ثروت را مذمت نمی‌کند و استفاده آن در راه خدا را تشویق می‌کند، چنانکه در آیات مربوط به پیامبران الهی چون حضرت داوود و سلیمان بیان شد، اما خارج کردن آن از جریان تولیدی و مبادلات اقتصادی و جمع کردن آن (کنز) را بسیار تقبیح می‌کند و چنانچه در آیات فوق بیان شد، آن را موجب هلاکت و نابودی می‌داند.

همان طور که اشاره شد، اگر فرهنگی ارزش‌های طرفدار کارآفرینی داشته باشد، محرکی برای کارآفرینی و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی خواهد بود، و البته معکوس آن نیز درست است. اسلام در حیطه اقتصاد، دارای اصول مبنایی و همچنین آموزه‌هایی است که در ایجاد محیط و فرهنگ کارآفرینانه نقش تعیین کننده‌ای دارد. همچنین قراردادهایی که اسلام آنها را انشاء یا تأیید می‌کند و جزئیات قراردادی آنها نیز نقش مؤثری بر ایجاد محیط کارآفرینی دارد.

۱. آل عمران، آیه ۱۴.

۲. سوره ملک، آیه ۱۵.

۳. سبا، آیه ۱۲-۱۳؛ کهف، آیه ۹۵ و ۹۸؛ سبا، آیه ۱۰-۱۱.

۴. قصص، آیه ۷۹؛ یونس، آیه ۸۸؛ قلم، آیه ۱۲-۱۵؛ مدثر، آیه ۱۲؛ مسد، آیه ۱-۲.

در ادامه از کلی‌ترین سطح معارف و مبانی اسلامی تا جزئی‌ترین سطح و مصادیق قراردادی اقتصادی، مواردی که در ایجاد بستر فرهنگی و ارزشی مناسب برای توسعه کارآفرینی نقش ایفا کرده‌اند، بیان می‌شوند. در ادامه خواهیم دید^۱ که اصول اسلامی سطح بسیار کلی خواهد بود. ارزش‌ها نیز همچنان کلی بوده اما کمی جزئی‌تر شده و به سمت مصادیق گروهی رفته است، یعنی مصادیق فراوانی را شامل می‌شوند، آموزه‌ها با اینکه شباهت زیادی به ارزش‌ها دارند، اما جزئی‌تر از آنها هستند، و قراردادهای مصادیق رفتار اقتصادی و به صورت کاملاً جزئی می‌باشند.

در اسلام اصولی مبنایی وجود دارد که شهید صدر در کتاب اقتصادنا از آنها به عنوان اصول اقتصاد اسلامی یاد می‌کند. برخی از این اصول در تشکیل و تشویق ایجاد محیط کارآفرینی نقش مؤثری دارند. این اصول مطابق نمودار فوق عبارتند از: ۱- ممنوعیت ربا ۲- ممنوعیت اکل مال به باطل ۳- وجوب خمس. البته مورد سوم اصلی اسلامی و کلی است و شاید به عنوان اصول اقتصاد اسلامی شناخته نشود. اما ساختار و احکام خاص خمس گویای جهت‌گیری اسلام به تحرک منابع مالی است. همچنین در اسلام ارزش‌هایی مورد تأکید قرار گرفته است. برخی این ارزش‌ها، که هنجارهای اسلامی را تشکیل می‌دهند، بر ایجاد محیط مناسب برای کارآفرینی نقش ایفا می‌کنند. بخش دیگر آموزه‌هایی است که در معارف اسلامی از سنت و نقل از معصومین (ع) تحصیل می‌شود. این آموزه‌ها هر چند تفاوت ماهوی با ارزش‌های اسلامی ندارند، اما این آموزه‌ها از روح کلی اسلام و رفتار و سیره معصومین (ع) برداشت می‌شود. لذا هر چند آنها هم جزء ارزش‌های اسلامی هستند، اما سطحی جزئی‌تر در معارف اسلامی دارند. در جزئی‌ترین سطح معارف اسلامی، مصادیق قراردادهای اقتصادی که در اسلام انشاء یا مورد تأیید قرار گرفته است و می‌تواند در فراهم سازی محیط کارآفرینی نقش ایفا کند.

۱-۳. اصول اسلامی محرک کارآفرینی

۱-۱-۳. ممنوعیت ربا

ممنوعیت ربا از دو جهت می‌تواند موجب تحریک کارآفرینی و تولید شود. اول اینکه نرخ بهره بالا موجب افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و تولید و در نتیجه موجب کاهش انگیزه‌های تولیدی می‌شود که از منظر مورفی^۲ موجب گرایش استعدادهای به سمت رانت‌خواری و سفته

۱. در شکل ۱ خلاصه‌ای این مباحث را مشاهده می‌کنید.

2. Morphy

بازی (فعالیت های غیر مولد) می شود. از جهت دیگر صاحبان سرمایه ای که نیازمند درآمد هستند، به جای اینکه سرمایه خود را به صورت ربا به افراد یا شرکت هایی بدهند، در قالب قراردادهایی مانند مشارکت، مضاربه و ... وارد فعالیت های اقتصادی می شوند. چون در این نوع فعالیت ها منافع صاحب سرمایه به نوع و کیفیت کار بستگی دارد و قطعی نیست، انگیزه ای برای کنترل و نظارت و بلکه همکاری و یاری عامل اقتصادی را برای او ایجاد می کند. حضور همه صاحبان سرمایه در تولید و همکاری آنها، در سطح کلان اقتصاد می تواند تحرک و توسعه اقتصادی را به ارمغان آورد.

۳-۱-۲. ممنوعیت اکل مال به باطل

همان طور که در آیات ۱۸۸ سوره بقره و آیه ۲۹ سوره نساء اشاره شده است، در اسلام اکل مال به باطل ممنوع است. در معنای کلی اکل مال به باطل به تحصیل مال به تمامی روش هایی است که در اسلام ممنوع شده است مانند مواردی که موضع معامله مالیت ندارد، یا معامله منفعت حلال ندارد، موجب تضییع حقوق دیگران می شود، با ضرر و زیان همراه است، فساد و فحشاء به همراه دارد. از منظر مورفی تمامی فعالیت هایی مانند سرقت، استفاده و انتشار غیر رسمی از تولیدات دارای حق امتیاز، کلاهبرداری ها و از این قبیل همه موجب می شود تا تولید کننده برای جلوگیری از چنین مشکلاتی با هزینه های مبادله بسیار بالا روبرو شود و حاشیه سود او را کاهش داده و بازده نسبت به توانایی او کاهش یابد. در نتیجه انگیزه او در انجام فعالیت های مولد و کارآفرینی نسبت به فعالیت های رانت خواری و سفته بازی کاهش می یابد. لذا اکل مال به باطل به صورت کلی موجب گرایش استعدادها به سمت فعالیت های غیر مولد و رانت خواری می شود و ممنوعیت آن موجب احیای انگیزه در فعالیت های تولیدی است.

۳-۱-۳. وجوب خمس

باید توجه داشت که خمس به مالی تعلق می گیرد که مازاد در آمد سالیانه باشد. در هیچیک از احکام افزایش سرمایه در کار و توسعه فعالیت اقتصادی مولد و سرمایه های کارآفرینی مشمول خمس نمی شود. هر چند ارزش کارخانه، ماشین آلات، دانش فنی و ... بسیار بالا باشد، اما تا زمانی این موارد مورد استفاده در چرخه اقتصادی قرار گیرد و راکد نباشد مشمول خمس نمی شود. اما به تمام اموال و دارایی هایی که مازاد بوده و مورد استفاده قرار نمی گیرد، به محض سر رسید سال خمس، خمس تعلق می گیرد. اگر به دنبال حکمت های خمس باشیم، باید به این

نکته بسیار مهم توجه کنیم، وجوب خمس بر دارایی‌های بلا استفاده، می‌تواند انگیزه‌ای جدی در تولید کنندگان اقتصادی ایجاد کند، تا درآمدهایی را که مازاد بر مصرف^۱ آنها است، را صرف سرمایه‌گذاری مجدد و توسعه فعالیت اقتصادی نمایند. همین امر منجر به توسعه کارآفرینی خواهد شد.

۳-۲. ارزش‌های اسلامی محرک کارآفرینی

ارزش‌ها و اصولی در زمینه اقتصاد در اسلام وجود دارد که محیط محرک کارآفرینی را ایجاد می‌کند. این ارزش‌ها به صورت زیر می‌باشند.

۳-۲-۱. تقبیح کنز

کنز که در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره توبه وارد شده است، به عنوان یکی از مفاهیم محوری در ادبیات فقه اقتصادی محسوب می‌شود و مخالفت با اخلاق و مبانی اسلامی در جای جای آیات و روایات تأکید شده که تفسیر آن بیان شد.

۳-۲-۲. ارزش کار

ارزش کار و تحرک در سیره پیامبر و اهل و بیت (ع) به روشنی مشهود است. در زمینه احترام و بزرگداشت کار و تلاش مفید و سودمند حضرت رسول (ص) صرفاً به تمجید و تعریف نپرداخته بلکه دستی را می‌بوسد که از کار ورم کرده و پینه بسته است و می‌فرماید: «این دستی است که خدا و پیامبرش آن را دوست دارند». همچنین ایشان می‌فرماید: خداوند بنده با ایمان پیشه‌ور را دوست دارد و هیچیک از شما غذایی گوارتر از دسترنج خود نخورده است» (جرداق، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲).

۱. نکته ظریف این است که هیچ فردی بیش از مقدار مشخصی نمی‌تواند مصرف کند، و درآمد فرد هر چقدر هم زیاد باشد، مازاد آن را باید صرف توسعه فعالیت اقتصادی و در حقیقت سود رسانی و درآمدزایی برای سایرین نماید. پس اگر مقدار مصرف کل را از درآمد کل کم کنیم، بقیه با این قاعده به طور خودکار در چرخه سرمایه‌گذاری و تولید قرار می‌گیرد و داریی را کد و بلا استفاده در اقتصاد باقی نمی‌ماند.

۳-۲-۳. زهد اسلامی

موازی چنین مفهومی، زهد اسلامی توسط امام علی (ع) چنین تفسیر شده که ایشان در نهج البلاغه در خصوص زهد می‌فرمایند: زهد در دو کلمه خلاصه می‌شود که خداوند سبحان در قرآن می‌فرماید «بر آنچه از دست می‌دهید دریغ نورزید و به آنچه که به دست می‌آورید، شادمان نگردید». آری آن کس که بر گذشته افسوس نخورد و بر آینده دل نبست و از آن شادمان نگشت، هر دو سوی پارسایی (زهد) را پاس داشته است.^۱

در این معنا روشن می‌شود علاوه بر اینکه داشتن مال و سرمایه هیچ مشکلی ندارد، دلبستگی به آن مخالف زهد اسلامی و اخلاق اسلامی تفسیر شده و تقبیح می‌شود. لذا معمولاً افرادی که اموال و سرمایه را کنز می‌کنند تا آن را از همه ریسک‌ها محفوظ دارند، وابسته به این مال هستند، در حالی که اگر این وابستگی وجود نداشته باشد، بر اساس سایر توصیه‌های اسلام به کار و فعالیت و همچنین سود رسانی به مردم، تولید و کارآفرینی از بهترین گزینه‌ها است. لذا زهد به معنای اسلامی و تفسیر صحیح مشوق کارآفرینی و مخالف کنز است.

۳-۲-۴. ارزش‌های اخلاقی و حقوقی

بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و حقوقی هستند که در اسلام بر آن تأکید شده است. به عنوان مثال منع دروغ و قسم دروغ، منع خیانت و کم فروشی، غش در معامله، منع غصب، منع اتلاف، مقررات سخت در خصوص سرقت و خیانت، نظام عادلانه دآوری در حقوق مالکیت، حقوق ارث و ... که کسب مال با بسیاری از روش‌هایی که ذکر شد، مصداق اکل مال به باطل هم می‌شود و ذیل اصل مذکور نیز می‌گنجد. این ارزش‌های اخلاقی و حقوقی چند اثر خواهد داشت:

- ۱- ایجاد و تأمین ساختارهای حقوقی و اخلاقی مشارکت اقتصادی بین سرمایه گذار و تولید کننده؛
- ۲- ایجاد و تأمین ساختارهای حقوقی خلق حقوق مالکیت؛
- ۳- ایجاد و تأمین ساختارهای حقوقی و اخلاقی تضمین حقوق مالکیت کارآفرین و سرمایه گذار؛
- ۴- تشویق و تحریک تجارت و مبادله اقتصادی سالم و نقش آن در تقسیم کار و کشف مزیت های اقتصادی با ایجاد ساختارهای حقوقی و اخلاقی؛

۱. الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ (لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ) وَ مَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ.

۵- ایجاد شفافیت و تقارن اطلاعات و کاهش ناطمینانی در بستر ارزش های اخلاقی نظیر صداقت و امانت.

علاوه بر موارد فوق تأمین فضای مناسب کسب و کار و شاخص های کارآیی مربوط به آن، بر اساس ترویج اعتماد در بین عناصر اقتصادی، اثر دیگر رعایت ارزش های اخلاق و حقوق اسلامی در بازارها می باشد.

۳-۳. آموزه های اسلامی محرک کارآفرینی

بسیاری از احکام و آموزه های اسلامی هستند که جهت گیری اسلام در گرایش به فعالیت های تولیدی و ارزش زا به جای فعالیت های غیر مولد و ارزش کاه را نشان می دهد. به طور مثال در اسلام کسی که زمین مواتی را آباد کند، آن زمین تا هنگامی که احیا و برقرار باشد، به او اختصاص پیدا می کند، اما همین که زمین را رها کند و آن را معطل بگذارد و در آن زمین کار تولیدی نکند، از ملکیت وی خارج شده و حاکم اسلامی آن را به دیگری می دهد، تا تولید نماید. شهید ثانی در این باره چنین اظهار نظر کرده است: «ملکیت در این گونه زمین ها به وسیله احیا صورت می گیرد و هنگامی که آبادی (بر اثر بی توجهی) از بین برود، ملکیت نیز خود به خود زایل می گردد». در نمونه ای دیگر در اسلام، کسی که خانه، مغازه و یا کشتزار و زمینی را اجاره کرده باشد، بدون اینکه کاری در آنها انجام داده باشد، نمی تواند آنها را با اجرت زیادتر به دیگری اجاره دهد. این حکم نشان می دهد که واسطه گری و دلالتی که فعالیت غیر مولد است و تنها موجب افزایش قیمت ها می شود، مورد نظر اسلام نیست. از این دست احکام در اسلام بسیار است و همه نشان از گرایش و جهت گیری اسلام به دخیل شدن در فعالیت های تولیدی و ارزش زا می باشد. آموزه هایی که در این زمینه رفتار بازیگر اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد، عبارتند از:

۳-۳-۱. سودرسانی

از ویژگی های کارآفرینان، خلق فرصت ها، استقبال از خطر ها، خرج سرمایه فکری و مادی، عبور از ناشناخته ها و خلق «همه چیز» از «هیچ» و سپس ترک آن برای دیگران و ایجاد فرصتی دیگر است و این خلق فرصت ها و واگذاری آن به دیگران، در چرخه تداوم قرار می گیرد و نتیجه آن، سودرسانی به دیگران است. پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرماید: «بهترین مردم، کسی

است که برای مردم، سودمندتر باشد^۱. این ویژگی را می توان مهمترین ویژگی کارآفرینی دانست که اسلام بر آن تأکید فراوان دارد. تفاوت بنیادی بین فعالیت های اقتصادی کارآفرینی و مولد با فعالیت های غیر مولد مانند سفته بازی و یا مقامره و رهان این است که انجام فعالیت کارآفرینی علاوه بر اینکه در تعریف کار می گنجد و انسان را از فقر نجات می دهد و همچنین با ریسک عقلایی به تحرک و انگیزه انسان کمک می کند، به دیگران نیز از قبل این فعالیت سود می رساند. در حالی که در فعالیت های غیر مولد مانند سفته بازی یا انسان خود دچار فقر و متحمل زیان می شود و یا به دیگران زیان می رساند و اگر در سفته بازی کوتاه مدت سودی نصیب ما شود، قطعاً ضرری به طرف دیگر تحمیل شده است. لذا اسلام بر انجام چنین فعالیت هایی توصیه نمی کند و سودرسانی در فعالیت ها را از جمله شاخصه های اصلی فعالیت اقتصادی می داند.^۲

۲-۳-۳. ریسک پذیری عقلایی

در آموزه های اسلامی به هیچوجه دخیل شدن در تعاملاتی با عدم اطمینان غیر عقلایی و مجموع صفر را تأیید نمی کند و در برخی موارد مانند مقامره و رهان یا بیع غرری به شدت آنها را نهی می کند. اما برای حضور در فعالیت های تولیدی سرمایه گذاران و کارآفرینان همواره با ریسک ها و عدم اطمینان هایی روبرو هستند که غیر قابل اجتناب است. به طور مثال تغییر در شرایط آب و هوایی در کشاورزی، بلایای طبیعی، حتی احتمال دزدی و ... همه موجب ایجاد ریسک در فضای تولیدی می شود. اسلام توصیه می کند تا همه مردم این ریسک ها را تقبل نموده و با توکل به خدای متعال اقدام به فعالیت های تولید نمایند. به طور مثال در مبانای اسلامی مضاربه، مزارعه و مساقات از جمله قراردادهایی هستند که مورد تأیید می باشد و ربا ممنوع شده است. تفاوت عمده آنها در چیست؟ در ربا فردی پولی را به دیگری می دهد و در حین اینکه ضامن اصل پول است، باید اضافه ای (سودی) را به صاحب سرمایه بدهد. یعنی فرد بدون اینکه هیچ ریسکی را متحمل شود، درآمدی مطمئن به دست می آورد. اما در مضاربه صاحب سرمایه و عامل هر دو در سود و زیان شریک بوده و حتی در برخی موارد ممکن است اصل پول نیز از بین برود. لذا صاحب سرمایه با ریسک مواجه است. این ریسک که غیر قابل اجتناب و عقلایی است، تنها موجب تحرک و انگیزه برای صاحب سرمایه در مراقبت و نظارت بر

۱. نهج الفصاحه، ح ۳۱۷.

۲. این آموزه با قاعده لاضرر و لاضرار نیز رابطه نزدیک دارد.

فعالیت عامل و کمک و همکاری با او می‌شود. که در مجموع بازده فعالیت تولیدی را افزایش می‌دهد. یعنی چنین قراردادهایی همه افراد را در جریان تولید و خلق ثروت دخیل و تعاملاتی همکارانه را ایجاد می‌کند. لذا توصیه به مضاربه مزارعه و مساقات در مقابل ممنوعیت ربا ریسک پذیری عقلایی بازیگران اقتصادی را به همراه خواهد داشت.

۳-۳-۳. ضرورت آموختن یک کار و پیشه

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، منادی آموختن مهارت‌های مختلف است؛ لذا می‌فرماید: «خداوند بنده‌ای را دوست دارد که کار و پیشه‌ای را بیاموزد تا به وسیله آن، از مردم، بی‌نیاز گشته، از کابوس هراس انگیز فقر، رهایی یابد»^۱. همان طور که در ادبیات متعارف اقتصاد نیز اشاره شده، «استفاده‌ای که انسان از نیروهای مادی و معنوی خود در راه خلق ثروت یا ایجاد خدمات می‌کند را کار می‌گویند (توسلی، ۱۳۷۵، ص ۹). با توجه به تعریف فوق در حین کار باید خلق ثروت صورت گیرد و فعالیت‌هایی مثل مقامره و رهان از نظر اقتصاد متعارف نیز کار محسوب نمی‌شود. تأکید بر آموختن پیشه به این دلیل است که نوآوری و خلاقیت مبتنی بر دانایی در کارآفرینی نقش اساسی بازی می‌کند.

۳-۳-۴. سستی‌گریزی

پیامبر رحمت (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، از کسالت و سستی، به خدا پناه می‌برد و می‌فرماید: «خدا یا! به تو پناه می‌برم از کسالت و سستی و به تو پناه می‌برم از فقر و کفر» و باز می‌فرماید: «خداوند، انسان بیکار و بی‌تحرک در کارهای دنیا و آخرت را دشمن می‌دارد»^۲.

۳-۳-۵. احتکارگریزی و مولد بودن

بر ممنوعیت احتکار و همچنین کنز مال در ادبیات و معارف اسلامی تأکید فراوان شده که در قسمت اول مقاله مفصلاً بحث شد.

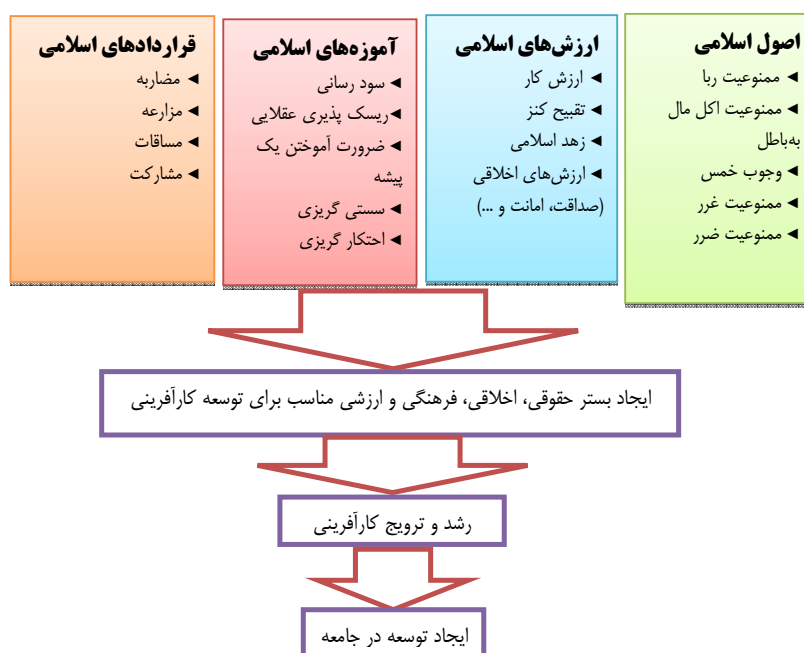
۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۵.

۲. نهج الفصاحه، ح ۲۲۱.

۴. قراردادهای اسلامی محرک کارآفرینی

قراردادهایی مانند مضاربه، مزارعه، مساقات و مشارکت که در اسلام بر آن تأکید شده، انگیزه‌های طرفین قرارداد را بر همکاری و نظارت بر فعالیت تحریک می‌کند. این قراردادها به دلیل دخیل کردن طرفین قرارداد در ریسک سرمایه‌گذاری، باعث همکاری طرفینی شده و جزئیات قراردادی آن در اسلام موجب ایجاد و تقویت ساختارهای حقوقی و اخلاقی مشارکت اقتصادی بین سرمایه‌گذار و تولیدکننده می‌شود. با مشارکت بیشتر بین این دو رکن اصلی کارآفرینی، قطعاً توسعه کارآفرینی و در نتیجه اقتصادی تحصیل خواهد شد.

در شکل زیر خلاصه کلیه مباحث فوق که از لحاظ حقوقی، اخلاقی، فرهنگی و ارزشی برای ایجاد بستر مناسب در جهت توسعه کارآفرینی تأثیر گذار هستند، نشان داده شده است.



شکل ۱: نقش ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی در کارآفرینی اقتصادی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سه عقد محرمه بیع غری، مقامره و رهان با سه ضابطه: ۱- وجود بازی حاصل جمع نامشبت، ۲- وجود شروط رهن‌گذاری معین برای پاداش معین یا نامعین و ۳- وجود قاعده برد و باخت، توصیف و تعریف می‌شوند. این عقود، مصداق اکل مال به باطل، غیر اخلاقی و غیر شرعی هستند. همچنین بیان شد که سفته بازی کوتاه مدت در مبادلات مالی به دلیل ارضای شروط سه‌گانه مذکور، می‌تواند دارای ماهیت رهان بوده و در نتیجه ناسازگار با اخلاق اسلامی تلقی می‌شود. در مقابل بازکاوی رویکرد آموزه‌های دینی در توصیه به فعالیت‌های کارآفرینی نشان می‌دهد که این فعالیت‌ها و لوازم و مقدمات آن، از دیدگاه سودمندی اقتصادی و حاصل-جمع مثبت آن، به عنوان عاملی برای رشد و شکوفایی اقتصاد جامعه و همزمان سازگار با اخلاق اسلامی می‌باشد.

معارف و مبانی اسلامی در سطوح مختلف محیطی را ایجاد می‌کند، تا کارآفرینی بتواند در فضایی مناسب، توسعه بهتری داشته باشد و انگیزه بازیگران اقتصادی را در گرایش به سمت کارآفرینی تحریک می‌کند. در مقابل این آموزه‌ها از فعالیت‌های غیر مولد مانند رانت خواری و سفته‌بازی باز می‌دارد. لذا پیروی از اخلاق و معارف اسلامی در تأکید بر فعالیت‌های کارآفرینی به جای سفته‌بازی توسط بازیگران اقتصادی، دولت‌ها و سایر نهادهای اجتماعی، گامی مؤثر در تحقق پیشرفت ایرانی-اسلامی خواهد بود.

از جمله پیشنهادها سیاستی که می‌توان در نتیجه این مطالعه ارائه کرد این است که دولت‌ها باید فضای نهادی و انگیزشی را برای حرکت استعدادها از سفته‌بازی به سمت کارآفرینی فراهم کنند، بازده نسبت به توانایی در فعالیت‌های تولیدی بایستی بیشتر از مبادلات سفته‌بازانه و غیر مولد شود، تا توسعه‌ی ایرانی-اسلامی محقق شود. همچنین با سیاست‌های اقتصادی مناسب مانند وضع مالیات بر مبادلات سفته‌بازانه (مالیات توبین یا کینز) انجام چنین فعالیت‌هایی را کم‌بازده‌تر نماید و از جذابیت آنها بکاهد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابوالحسنی، اصغر و حسنی مقدم، رفیع، (۱۳۸۹) کاربرد بحث تصمیم‌گیری در شرایط نااطمینانی و نظریه بازی در مدل دار کردن اقتصاد اسلامی، جستارهای اقتصادی، شماره ۱۳.
۳. الامام الخمينی، السيد روح الله، (۱۴۱۰ هـ.ق) المکاسب المحرمه، جلد ۲، قم: مؤسسه

اسماعیلیان.

۴. الانصاری، شیخ مرتضی بن محمد، (۱۴۲۰ ه.ق) المكاسب، مجمع الفكر الاسلامی.
۵. توسلی، غلامعباس، (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران: سمت، چاپ اول.
۶. حسینی، سیدرضا، (۱۳۸۹) تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد، معرفت اقتصادی.
۷. الخوئی، السید ابوالقاسم، (۱۴۰۹ ه.ق) کتاب المساقاه، قم: المطبعه العلمیه.
۸. الخوئی، السید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ ه.ق) منهاج الصالحین، مدینه العلم.
۹. رفیعی، محمدتقی، (۱۳۷۸) مطالعه تطبیقی غرر در معامله در حقوق ایران، اسلام و کنوانسیون بیع بین المللی وین، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
۱۰. شهید ثانی، (۱۴۱۶ ه.ق) مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۶، مؤسسه معارف الاسلامیه، طبع دوم.
۱۱. شهید ثانی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا، ج ۴، کتاب السبق و الرمايه.
۱۲. صالح آبادی، علی، (۱۳۸۸) بورس بازی در بازار سهام از دیدگاه اسلام، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۲۰.
۱۳. صدر، سیدمحمدباقر، (چاپ ۱۳۷۵) اقتصادنا، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۴. کلینی رازی، شیخ محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، باب القمار و النهبه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. میرمعزی، سیدحسین، (۱۳۸۲) مفهوم کنز از دیدگاه علم اقتصاد و اندیشمندان اسلامی، نامه مفید، ش ۳۵.
۱۶. النجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

17. Al-Suwailim (1999). Toward an Objective Measure of Gharar in Exchange", Economic Studies, Vol.7, No. 1&2, pp. 61-102.
18. Borna S. and Lowry J. (1987). Gambling and Speculation. Journal of Business Ethics, Vol. 6, No. 3, pp. 219-224.
19. Brunner, K. (1985). The Poverty of Nations. Cato Journal, Vol. 5, No.1.

20. El-Gamal, M. (2007), An Economic Explication of the Prohibition of Gharar in Classical Islamic Jurisprudence, IRTI, IDB, Eminent Scholars Lecture Series, No. 16.
21. Fudenberg, Drew & Tirole Jean (1991). Game Theory, The MIT Press.
22. Hirshleifer, J. (1977). The Theory of Speculation Under Alternative Regimes of Markets. The Journal of Finance, Vol. 32, No. 4, pp. 975-999.
23. Joynt, P., & Warner, M. (Eds.) (2002). Managing across cultures: Issues and perspectives. Cengage Brain. com.
24. Joynt, P., & Warner, M. (Eds.) (2002). Managing across cultures: Issues and perspectives. CengageBrain. com.
25. Mbako, John M. (1991). Property Rights and Rent-Seeking in South Africa, Cato Journal, Vol. 11, No.1 .pp. 135-150.
26. Murphy, K. M., Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1991). The allocation of talent: implications for growth. The quarterly journal of economics, 106(2): 503-530.
27. Wennekers, S., & Thurik, R. (1999). Linking entrepreneurship & economic growth. Small business economics, 13(1): 27-56.